



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۰۳



سید هاشم سدید

## با سرنوشت مردم نباید قمار زد



مرزهای آزادی فردی را "جان استوارت میل"، یکی از فلاسفه های قرن هفدهم انگلستان، در کتاب ارزشمندی به نام "رساله ای در باره آزادی" به طور کامل و مشروح بیان داشته است.

فرد، بر وفق نظر این اندیشمند باریک بین، تنها تحت شرایط خاصی می تواند در مورد خود، با آزادی که طبیعت و حق انسانی وی به او اعطا نموده است، تصمیم بگیرد - هر تصمیمی که خواسته باشد. اما، اگر در اثر این تصمیم حتی یک انسان دیگر، خواه این انسان جزئی از اعضای فامیل، یا اقارب و خویشان و دوستان و . . . وی باشد، یا بیگانه ای از نظر نسبی هم متضرر گردد، یا کمبود و نبود این شخص به نوعی مخل کار مثمیری که وی در جامعه به دوش دارد یا می تواند به انجام برساند، شود، چنین حقی (ضرر رساندن به خود) با حقی که دیگران بر وی دارند، از وی ساقط می گردد.

در خصوص آمد و شد طالب و دولت موجود، یکی از حیاتی ترین مطالب در بحث های امروزی، باید گفت که نفع و ضرری ماندن و رفتن دولت موجود و آمدن طالب، چون سود و زیان آمد و شد این و آن تنها متوجه یک فرد نمی شود، بلکه مربوط به جمیع افرادی که در این کشور زندگی می کنند، به شمول آن هائی که هنوز نظر به کم سالی نمی توانند حرف دل شان را به وجه احسن بزنند و تصمیمی بگیرند و آن هائی که هنوز به دنیا نیامده اند و هر تصمیمی که امروز گرفته می شود به نوعی در زندگی و آینده آن ها نیز تأثیر خواهد گذاشت، می گردد، باید کمی جانب احتیاط را اختیار کرد - سخن من بیشتر متوجه تحصیل کرده ها و هوشمندان ما است.

مشکل افغانستان، به خصوص مشکلی که امروز گریبان این کشور را گرفته است و تا حدود زیادی نتیجه رفتار و پندار نا کارآمد و زیانبار طالب و برادران جهادی و غیر جهادی ایشان (خواه عمامه بسر، خواه قره قلی پوش و نکتائی دار و پکول به سر) می باشند، با افراط و تفریط حل نمی گردد.

مردم افغانستان تجربه های زیادی طی چهل سال گذشته، و به حد نهایی تلخ و ویرانگر، از افراط و تفریط در حوزه های سیاست و اجتماع دارند؛ همچنان از سیاستمدارانی که خواسته و یا می خواهند در میدان سیاست به عنوان مبارزانی معجزه گر با پای لنگ خیز های بلند بزنند؛ هم از سیاستمدارانی که عملاً در متن قضایا در داخل افغانستان

هستند و هم از سیاستمدارانی حاشیه نشین، به خصوص آنانی که در خارج از افغانستان زندگی می کنند و با همه تعهدات سیاسی - اخلاقی با مردم، و ادعای صداقت و پاکی، با منتهای سیاه کاری ها مشغول گرد کردن مال هستند.

به نظر من، و به احتمال بسیار زیاد، فکر نکنم که بیشتر از این کسی به فکر تجربه کردن افراط گرایان سیاه و سرخ و سبز، مخصوصاً در چنین وضعیت و موقعیت بحرانی و نازک در کشور ما باشد. زمان زیادی برای تجربه کردن ها در این کشور صرف و ضایع شده است. هر تجربه دیگر به مثابه قماری خواهد بود که آخر آن گذشته از اینکه باخت باخت است، منتج به نابودی کامل ما نیز خواهد شد. فقط یک تجربه دیگر، و خواندن فاتحه افغانستان نیمه جان!

غیر از اصلاحات در حدود امکانات و با توجه به شرایط نازک کشور، هیچ راه دیگری برای عبور از بحران های موجود، که غالباً حاصل سیاست های منفعت طلبانه، تاریک اندیشانه، کوتاه بینانه یا پیشبرد سیاست های ویرانگر ایران و پاکستان و عربستان سعودی و اجرای آن ها توسط همین گروه های طالبی و غیر طالبی مشابه طالب می باشد، در برابر ما وجود ندارد.

ارزیابی کار هر سیاستمدار، در هر برشی از زمان، باید در حدود امکانات، در چهارچوب دستمایه ها و با توجه به فشار های داخلی و خارجی بر این یا آن سیاستمدار، صورت بگیرد.

دولت موجود با همه نارسایی هایی که داشته و دارد، به نظر من برای عبور از وضعیت بحرانی و شکننده کنونی بهترین دولت است.

قیام یا مقاومت در برابر طالب، که کار پیش کار یا قایم مقام پاکستان را به عهده داشته و خواهد داشت، اگر طالب دوباره زمام امور کشور را به دست بگیرد، بیشتر از خواب خوش طفلان نخواهد بود.

بنا بر این بهتر است با واقع بینی کامل این واقعیت را بپذیریم که برای گذشتن از بحران سیاسی - ملی موجود، با هر وسیله ممکن، بدون توسل به افراط و تفریط، یگانه کاری در خور انسان های صاحب متمدن، عقل، منطق، عاقبت اندیش و دلسوز نسبت به مردم و خاک همین است، که روال کنونی سیاست در کشور را تحت زعامت همین دولت مورد تأیید و حمایت قرار دهند.

از هوا گز کردن و با تخیلات "شیخ چلی ها" زیستن، فکر نکنم که شایسته روشنفکران کشور ما (با هر تعریفی که از روشنفکر و روشنفکری داریم) باشد.

دفع توطئه ها و دست اندازی های ایران و عربستان و پاکستان و چند کشور دور و نزدیک دیگر، با نیرو های پراکنده و نامنسجمی که خود بر سر رهبری سازمانی و رهبری مقاومت دست به گریبان می باشند، ممکن نیست. چنین تصورات را من، بشخصاً، در زمره توهمات و فانتزی های قشنگ اطفال و امیدواری های کسانی که در دوران ما به معجزه اعتقاد دارند، به حساب می آورم.

با خیالبافی و حدس و ظن و گمان و تخمین و دیدن فال قهوه و . . . به پیکار اهریمنانی مانند ایران و پاکستان رفتن، و این اهریمن های زالو صفت، یا دستیاران شان را به زانو در آورن، کار فرزندگان واقع بین و عملگرا نیست. چنین کاری قمار کردن با حیات و مامت مردم است؛ که به هیچ وجه مجاز و قابل تحمل نیست!

باید به یاد داشت که برخی کارها، وقتی خراب شوند، با یک معذرت یا گفتن اشتباه کردم و متأسفم و... قابل جبران نیستند. برگشت طالب، که من شخصاً آرزو دارم چنین اتفاقی نامیمون به هیچ صورت و به هیچ قیمتی رخ ندهد، از جمله همین کارهاست!

پس باید از همین اکنون همه فکرهای خود را جمع و جور کنیم و با ضرب و تقسیم همه معادله‌های داخلی و خارجی، آنچه را که به نفع این ملت و این کشور است، نفعی که می‌تواند سکویی برای پرش (با پای‌هایی که شاید تا آن وقت از لنگی برآمده باشد) به میدان‌های دیگر باشد، به مردم ابراز کرده عملی کنیم.

می‌گویند اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، ببینید او با کی‌ها دوست است. پاکستان و ایران و عربستان، حامیان تجزیه‌طلبان و طالبان و داعشی‌ها و دیگر حرکت‌های افراط‌گرا و کهنه‌اندیش و... در کشور ما، کشورهایی نیستند که در فکر ترقی و آبادی افغانستان و رفاه و آزادی مردم و حق خود ارادیت و حق تعیین سرنوشت مردم این کشور به دست خود مردم این کشور باشند.

بدبختی دو کشور اولی، یعنی ایران و پاکستان، نسبت به افغان و افغانستان از نظر هیچ افغان ملی، آزاده و صاحب عقل پوشیده نیست. این دو کشور، به خصوص، به هیچ وجه خواهان بهروزی، سربلندی، نیرومندی و استقلال کامل و آبادی افغانستان و افغان‌ها نیستند. در تمام تقریباً شش سال امارت طالبان، چون پاکستان نمی‌خواست در این کشور کاری صورت گیرد و تغییر مثبتی به وجود بیاید، این نیروی آله دست پاکستان، مصدر یک کار مفید هم در افغانستان نشد. هرچه طالب طی آن شش سال کرد، ایجاد موانع در راه اعتلای کشور و خلق مشکل در راستای کار و کوشش پسر و دختر، و زن و مرد این کشور در مسیر سازندگی بود. انتظار کار دیگری امروز نیز از طالب، عین همان کوتاه‌فکری است، چرا که پاکستان، که با تمام قوت پشتیبان طالب و خواهان اضمحلال افغانستان بود و است، همان پاکستان است، که بود!

بنا بر این، وضع موجود هرچه است، با کار و تلاشی که در جهت بازسازی و نو سازی، و در جهت تأمین آزادی‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی صورت گرفته و صورت می‌گیرد، اموری که طالب اصلاً به آن‌ها باوری نداشت و ندارد و اجازه آن‌ها را نخواهد داد، برای هر فرد ترقی خواه و دوراندیش، کسی که برای گذشتن از آب به جای استفاده از کلخ همواره با تعقل از سنگ‌های استوار استفاده می‌کند، هم قابل تایید است و هم قابل حمایت.

کارهایی که طی این همه سال، مشخصاً در دوران حکومت آقای احمدزی صورت گرفته است، اگر چشم‌ها بینا باشند و قوه مقایسه و تشخیص خوب و بد و نسبت زمان ضعیف نشده باشند و عامل رزمی - تخریبی نیروهای بازدارنده و زورگوی از نظر انداخته نشوند، کارهایی که مقدمه خیلی از کارهای دیگر می‌توانند باشند، باید سبب اقناع ما گردد.

آقای احمدزی، هیچ انسانی، قادر به یکجا کردن آسمان و زمین نخواهد بود، ولی از انجام کاری که در حیطه امکانات بوده است، تا جایی که دیده شده است، دریغ نکرده است. لشکری از عناصر فرصت‌طلب، تشنه قدرت، فاسد، نوکرایان یا آن بیگانه و عقده‌ای موجود در کشور را، که با هزار حيله و نیرنگ بسیاری از مردمان خوشباور و خوش‌قلب این کشور را به دنبال خویش دارند، نباید نادیده گرفت. با این لشکر جنگیدن، با امکانات موجود، و عبور دادن کشور

از این همه داره بازی ها و فساد، کار ساده ای نیست، حتی برای آنانی که فکر می کنند، حلال تمام مشکلات هستند و معجزه خواهند کرد.

زمان بهترین حلال مشکلات ما می باشد، که باید با تدبیر و استقامت، و به آهستگی در حد لزوم، از آن استفاده شود. از یاد ما نرود که دویدن، خصوصاً با چشمان بسته و توکل به بخت، به فرق خوردن هم دارد؛ چنانچه ما بار ها با این نوع دویدن های کورکورانه و اعتماد به این و آن و توکل به بخت، به فرق خورده ایم.

نکته آخر: آنانی که از مقاومت در برابر طالب حرف می زنند، باید بدانند که طنین آوای خواندن فاتحه مبارزه و مقاومت در برابر طالب از زبان یکی از رهبران نیروی صد پاره مقاومت، با آمدن طالب، یعنی بیست و پنج سال قبل، هنوز از گوش های بسیاری از مردم ما محو نشده است.

پس بهتر است قبل از هر به مبارزه طلبیدنی، با زور کم و قهر زیاد، این پاره هایی پرحرف، ولی بی عمل را بهم وصل کنند، زیرا مقاومتی که از آن صحبت می شود، با پراگندگی موجود، نیرویی را ندارد که قادر به مبارزه با طالب، که تمام نیروی های سیاسی، مالی و نظامی پاکستان را در پشت خود دارد، باشد.

مخلص کلام: در مورد شخص خود، هر انسانی هر نوع تصمیمی که می گیرد، بگیرد؛ آزاد است و ما کاری با آن نداریم، اما در مورد دیگران، که خواهان داشتن یک کشور آباد و آزاد و نیرومند، با سیاستمداران متجدد و ترقی خواه و ملی و واقعگرا هستند، هیچ انسانی خیالپردازی حق ندارد توهمات خویش را به گوشش مردمی که گاه فریب هر انسانی و هر حرفی را می خورند، زمزمه کنند!

پایان



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

با سرنوشت مردم نباید قمار زد

[Sadid\\_sh\\_basarnewesht\\_mardom\\_nabayad\\_qemaarzd.pdf](#)